

POSTCOLONIAL DISCOURSE

گفتمان پسااستعماری

شعله وطن آبادی

گفتمان پسااستعماری از سال‌های ۱۹۸۰ در دنیای آکادمیک آمریکا و اروپا مورد بحث قرار گرفت. بسیاری شروع این گفتمان را به انتشار کتاب شرق‌شناسی (orientalism) ادوارد سعید، منتقد فلسطینی در سال ۱۹۷۸ ربط می‌دهند که در آن ساختارها و بازنمایی شرق توسط غرب و ارتباط آن به سیستم و تاریخ استعماری به نقد کشیده شد. کتاب دیگری که دامنه‌ی این گفتمان را شدت بخشید امپراطوری پس می‌نویسد: تئوری و عمل کرد در ادبیات پسا - استعماری (The empire writes back: Theory and practice in post-colonial literatures) بود. شروع واژه پسااستعماری شامل ادبیات بیشتر کشورهای جهان سوم می‌شد که تجربه استعمار را پشت سر گذاشته و یا هنوز تحت استعمار به سر می‌بردند. (این کتاب البته بیشتر کشورهای

انگلیسی‌زبانی را که تحت استعمار امپراطوری بریتانیا بودند مورد بحث قرار داده و به تحلیل ادبیات این مناطق پرداخته است.

در دهه‌های اخیر گفتمان پسااستعماری گسترش بسیاری پیدا کرده و کماکان در حال تعریف شدن است. در مورد اساس و چهارچوب این گفتمان بحث‌های مختلفی در گرفته است. بسیاری این گفتمان را فراتر از تئوری‌های نقد ادبی پنداشته‌اند و آن را در چهارچوب علم‌های دیگری چون جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی، فلسفه و مخصوص تاریخ تعریف می‌کنند و آن را در اصل گفتمانی فرارشته‌ای ۲ می‌دانند.

از طرفی دیگر حیطه‌ی جغرافیایی-تاریخی که کتاب ذکر شده مورد تحلیل قرار داده وسیع‌تر شده و اکثر کشورها و فرهنگ‌های جهان را که به نوعی تحت سلطه استعمار و یا نئواستعمار و امپریالیزم بوده و هستند دربر می‌گیرد.

به طور کلی گفتمان پسااستعماری را می‌توان چنین معنی کرد که سعی بر نظمی دوباره دادن و دوباره ساختن فرم‌های دانشی دارد که از طریق تسلط غرب بر نیم بیشتر جهان و تفکر اروپا محوری نوشته و تعریف شده‌اند. این گفتمان به مسائل بین فرهنگی در چهارچوب ترکیبات نابرابر قدرتی می‌پردازد و پیوسته سعی بر ساختارزدایی تئوری‌های اروپا / آمریکا محوری تاریخ‌نگاری، فلسفه، مطالعات ادبیات و دیگر رشته‌ها دارد. که فرض بر این دارند که مدل‌های آن‌ها توانایی کاربردی فرازمانی و فرامکانی را دارند و می‌توانند جهانی باشند.

برخلاف ادعایی که از تفکر استعماری ناشی می‌شود و فرهنگ استعماری را در مرکز و مستعمرات را در حاشیه می‌انگارد، گفتمان پسااستعماری به وجود دنیایی چند مرکزی از نظر فرهنگی و تمدن باور دارد و هیچ‌کدام از این مرکزها را استثنایی، خاص و برتر نمی‌انگارد.

بحث‌ها و مناظره‌ها در مورد گفتمان پسااستعماری

مناظره و بحث‌ها بین صاحب‌نظران و آکادمسین‌ها در مورد این گفتمان موارد بسیاری دارد. در میان این مناظره‌ها به دو مورد مهم اشاره می‌کنم.

عده‌ای واژه پسا- استعماری را به نقد کشیده و هشدار می‌دهند که پیشوند پسا- post در این واژه می‌تواند چنین تداعی شود که دوران تاریخی استعمار به پایان رسیده در حالی که هنوز جهان درگیر تسلط‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و ترکیب‌های قدرتی نابرابر ناشی از استعمار و نئواستعمار است.

در این مورد برخی به این مسأله اشاره می‌کنند که تعریف دیگر پسا- post می‌تواند فرا باشد و از آن جایی که گفتمان پسااستعماری یک گفتمان متقابل است و سعی بر یافتن تعاریفات دیگری دارد که ساختارهای اروپا / آمریکا محوری را در هم ریزد. این معنی از (پسا) بیشتر درخور تعریف این گفتمان است و با این تعریف بسیاری از متن‌هایی نوشته شده در زمان استعمار را هم می‌توان خواند. برای مثال نقدهای ادوارد سعید بر رمان‌های جوزف کنراد را می‌توان ذکر کرد. (رمان‌ها و آثار کنراد هم در زمان قدرت استعماری انگلیس و هم در خود انگلیس نوشته شده‌اند.)

مورد دیگر بحث در این گفتمان اشاره به این مسأله دارد که گذاردن تمامی مناطق دنیایی که به نوعی تحت قدرت غرب بوده‌اند زیر پوشش واژه پسا استعماری می‌تواند فرق‌هایی را که بین فرهنگ‌ها وجود دارد نادیده بگیرد و همه را یک سویه کند.

ادبیات پسااستعماری

همان‌طور که اشاره کردم گفتمان پسااستعماری فرارشته‌ای است و از زاویه‌های مختلف علمی تعریف شده و به کار برده می‌شود. اما کاربرد این گفتمان بیشتر در حیطه مطالعات ادبی و نقد ادبی بوده است.

برای تعریف و باز کردن بحث تئوری ادبیات پسااستعماری از کتاب The Empire writes back استفاده کرده و تقسیم‌بندی‌ها و مدل‌های زیر را برای روشن شدن مطلب ذکر می‌کنم.

۱- ادبیات ملی و منطقه‌ای

این مدل از ادبیات پسااستعماری آثاری را شامل می‌شود که به خصوصیات شاخص ملی می‌پردازد. در این آثار به آنچه که خصوصیات ملی را با ارزش‌های فرهنگی استعماری متفاوت می‌کند اهمیت داده می‌شود. در این چهارچوب

گفتمان

پسااستعماری

به وجود دنیایی

چند مرکزی از

نظر فرهنگی و

تمدن باور دارد و

هیچ‌کدام از این

مرکزها را

استثنایی، خاص و

برتر نمی‌انگارد.

مطالعاتی که به ادبیات ملی می‌پردازند از اولین گام‌ها در پروسه‌ی ساختارزدایی ادعاهای فرهنگ‌های استعماری می‌باشند و دارای جایگاهی خاص و مرکزی در فرهنگ دنیا هستند. بازنمایی فرهنگ‌های دیگر هم که در حاشیه بوده‌اند در واقع فروپاشی این مرکزیت‌گرایی است.

برای مثال از این‌گونه آثار رمان نویسنده نیجریه چینوا آچه‌به Chinua Achebe به نام همه چیز فرومی‌پاشد fall Things) (apart را می‌توان نام برد که در آن نویسنده به فرهنگ و تاریخ آفریقا قبل از استعمار انگلیس می‌پردازد و این‌که چطور بعد از استعمار این فرهنگ و تاریخ از بین رفته است. در این اثر ادعای روایات استعماری که آفریقا تا زمان مستعمره شدن تمدن، تاریخ و فرهنگی نداشته رد می‌شود. در این مبحث البته هشدارهایی که تئوری پسااستعماری از ذاتی کردن ۳ خصوصیات ملی می‌دهد اهمیت بسیاری دارد.

۲- تطبیق ادبیات میان منطقه‌ای

مدلی است که به مضمون و تکنیک در آثار توجه دارد و آثاری را در میان منطقه با شرایط و مسائل تاریخی مشابه به مطابقت می‌گذارد. برای مثال آثاری که به مضمون‌های زبانی استعماری می‌پردازد (کشورهای مستعمره انگلیسی زبان شده) و یا آثاری که شامل مضمون‌هایی مثل ستم، مهاجرت، آموزش و مسائل زنان است.

۳- مدل‌هایی که به مسائل نژادی و قومی می‌پردازد

البته این مدل به نژاد و قوم به صورت مساوی‌ای ذاتی نمی‌نگرد بلکه به این مهم توجه دارد که ایده‌ی نژاد و قوم و کلاً تغییرات نژادی یکی از مهم‌ترین خصوصیات و عوامل تسلط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی قدرت‌های استعماری بوده است.

برای مثال از این‌گونه آثار نوشته‌های نویسندگان سیاه آمریکا چون تونی ماریسون و ریچارد رایت را می‌توان نام برد.

۴- مدل‌های ادبیات تطبیقی گسترده

در یک سطح وسیع جغرافیایی به مسائل و مضمون‌های ناشی از استعمار می‌پردازد. این مسائل شامل مضمون‌هایی چون ریشه‌کن شدن از مکان (مهاجرت)، مسائل طبقاتی و دیگر مضمون‌های مشابه است. در این مدل همچنین استفاده از تکنیک‌های خاص ادبی چون استفاده از تمثیل، تکنیک رئالیسم جادویی و یا تکنیک روایتی منقطع در نظر گرفته می‌شود.

زاویه دید دیگر در این مدل دیالکتیک بین استعمارکننده و مستعمره است. این دید البته به آثار متفکرانی چون فرانتس فانون برمی‌گردد که سوال‌هایی چون آیا تأثیرات روانشناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگی استعمار از بین رفته است یا خیر را مطرح می‌کند.

۵- مدل دورگه بودن و اختلاط فرهنگی

به طور کلی این مدل تضادهای ذاتی بین فرهنگی را رد می‌کند و به این مساله اشاره دارد که تاریخ استعمار خواه ناخواه تأثیراتی بر روی دو فرهنگ استعمارکننده و مستعمره می‌گذارد و بر این باور است که هم استعمارکننده و هم مستعمره دچار فرهنگی دورگه می‌شوند و این به خاطر اختلاط فرهنگی در زمان استعمار است. به صورت دیگر بازگشت به اصل قبل از استعمار عملی واقع‌گرایانه نیست. در این مدل آثار ادبی به مسائل و پیچیدگی‌هایی چون مساله هویت و یا خود / دیگری می‌پردازد. این مدل شاید نزدیک‌ترین مدل به تئوری پسااستعماری باشد و بهترین نمونه این مدل آثار است که به وسیله‌ی مهاجران نویسنده به کشورهای مادر نوشته شده است.

مدل‌هایی که در بالا تعریف شدند می‌توانند متقاطع بوده یا در اثری بتوان تمامی این مدل‌ها و یا چند نمونه از این مدل‌ها را دید.

پس گفتمان پسااستعماری سعی بر ساختارزدایی هرگونه ساختار برتری نژاد و فرهنگ دارد. در این گفتمان تفاوت‌های موجود فرهنگی و ملی از دیدی برابر و در یک خط افقی سنجیده می‌شوند که درست برعکس دید استعماری است که تفاوت‌ها را در یک خط عمودی دیده و مساله برتری نژادی و فرهنگی را عمده می‌داند.

گفتمان پسااستعماری زاویه دید جدیدی را برای بسیاری از تئوری‌ها در زمینه‌های دیگر نیز فراهم آورده است. از

گفتمان

پسااستعماری فرا

رشته‌ای است و از

زاویه‌های مختلف

علمی تعریف شده

و به کار برده

می‌شود. اما

کاربرد این گفتمان

بیشتر در حیطه

مطالعات ادبی و

نقد ادبی بوده

است.

جمله تئوری های فمینیستی و تئوری هایی که مربوط به حوزه ترجمه است .

ادغام گفتمان فمینیستی و پسااستعماری از آن جایست که در بسیاری از جوامع زنان همانند مردمی که تجربه تسلط استعماری را داشته اند در حاشیه مانده و صدای آن ها خاموش بوده است . زیرا سعی بر ساختارزدایی ناشی از نابرابری ترکیبات قدرتی دارند . و هر دو سعی بر تعریفی درباره دوباره نویسی روایتی را دارند که بازتاب این نابرابری بوده است . اگر گفتمان پسااستعماری به فروپاشی ساختارهای فرهنگی استعماری سعی دارد ، گفتمان فمینیستی سعی بر ساختارزدایی گفتمان های مردسالارانه دارد . در این جا اما باید به این مهم اشاره کرد که بسیاری از تئوری های فمینیستی در اروپا و آمریکا تنها نماینده ی ارزش های زنان سفید طبقه متوسط دنیای غرب هستند . و بسیاری از کسانی که هم به تئوری های فمینیستی و هم پسااستعماری می پردازند این مهم را یادآور می شوند که نمی توان تئوری های فمینیستی را تماما جهانی فرض و اعمال کرد بلکه باید اهمیت زیادی به خاصه های فرهنگی ، بومی ، نژادی و طبقاتی نیز داده شود . زندگی بسیاری از زنان که هم تحت قدرت مردسالار و هم قدرت استعماری بوده اند پیچیدگی های خاص خود را دارد و با زنانی که تجربه استعمار را نداشته بلکه خود در داخل مرکز قدرت استعماری بوده اند بسیار متفاوت است . بسیاری از زنان نویسنده ی آفریقا و یا نویسندگان سیاه در اروپا / آمریکا ، شبه جزیره هند و کشورهای آمریکای لاتین ، خاورمیانه و یا دیگر نویسندگانی که به این مسائل آگاهی دارند به این پیچیدگی ها در آثارشان می پردازند .

گفتمان پسااستعماری همچنین زاویه دید وسیع تری را برای تئوری ها و عمل کردها در حوزه ترجمه باز کرده است . جایگاه ترجمه در گفتمان و ادبیات پسااستعماری بسیار مهم است . ترجمه به مثابه پلی است بین فرهنگ ها در جهانی که نابرابری قدرتی زبانی و فرهنگی کماکان وجود دارد . چون خواه ناخواه مسائلی در مورد سیاست هایی چون انتخاب آثار ادبی برای ترجمه ، نشر و از طرفی دیگر سیاست های دریاقتی آثار غیر غربی وجود دارد .

با این که با مطرح شدن گفتمان پسااستعماری ترجمه های بسیاری از آثار نویسندگان غیر غربی انتشار یافته و در دانشگاه های غربی مورد مطالعه قرار گرفته ، ولی هنوز مسائلی و مشکلاتی برای ترجمه ، نشر و پخش برابر و عادلانه آثار ادبی وجود دارد . اروپا / آمریکا محوری و غرب شیفتگی عامل مهمی است که بعضی نویسندگان غیر غربی را وادار می کند چنان بنویسند تا آثارشان به زبان های اروپایی ترجمه شود در حالی که در کشورهای غیر غربی تعداد بیشتر آثار ترجمه شده آثار نویسندگان اروپا و آمریکا هستند نه نویسندگانی از فرهنگ ها و ملیت های دیگر . جهان چند مرکزی از نظر فرهنگی که مورد نظر گفتمان پسااستعماری است لزوم دادوستد دانش بین تمامی فرهنگ ها را با اهمیت می داند .

پانویس :

- 1- Representation
- 2- Cross-disciplinary
- 3- Essentialist

منابع :

- 1- Said, Edward. Orientalism. New York: Pantheon 1978.
- 2- Rotulege 1989. 2- Aschcroft, Bill. G. Griffiths, H. Tiffir, eds. The Empire writes back: Theory and Practice in Post colonial literatures. New York
- 3- Achebe, chinua. Things fall apart.

پروژه دوم : شنود
نشر ، هاتم ، هشتم
مرکز سیمین و هشتاد و دو

گفتمان
پسااستعماری
سعی بر
ساختارزدایی
هرگونه ساختار
برتری نژاد و
فرهنگ دارد .

